



بررسی تطبیقی طراحی منسوجات ایلخانی ایران و ممالیک مصر در قرون هفتم و هشتم هجری (۱۴-۱۳م.)

فریناز فربود*

استادیار گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)

نوشین دهملانیان

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا (س)

چکیده

ایران ایلخانی (۶۵۴ تا ۷۵۰ ه.ق. / ۱۲۵۶ تا ۱۳۳۵ م.)، پس از یک دوره کوتاه رکود، به دلیل حمایت مغولان از تولید و تجارت منسوجات گرانبها، با رشد چشمگیری در زمینه طراحی و تولید منسوجات روبرو می‌شود. در حکومت ممالیک مصر (۶۴۸ تا ۹۳۳ ه.ق. / ۱۲۵۰ تا ۱۵۱۷ م.) نیز، به دلیل مقاصد سیاسی، تجاری و اقتصادی و اهمیت قاهره به عنوان مرکز جهان اسلام، توجه به تولید منسوجات فزونی یافت و در این دوران، پارچه و لباس نقش اجتماعی وسیعی را، به‌ویژه در سطح درباری ایفا می‌کرد. در بسیاری از کتاب‌های تاریخی، مورخان مسلمان، راجع به روابط تجاری و فرهنگی ممالیک با تمدن‌های شرقی و تأثیرپذیری منسوجات آنها از سبک و طراحی شرقی به‌ویژه سبک چینی و ایلخانی، سخن به میان آمده است. از اینرو، سؤال پژوهش حاضر این است که چه شواهدی از تأثیر منسوجات ایران ایلخانی قرون هفتم و هشتم هجری/سیزدهم و چهاردهم میلادی بر منسوجات ممالیک معاصر آنها وجود دارد؟ هدف این پژوهش کیفی، پس از بیان ویژگی‌های منسوجات ایلخانان و ممالیک، بررسی زمینه‌های ارتباط سیاسی و تجاری دو تمدن به منظور تبیین زمینه تأثیرپذیری و سپس انتخاب نمونه‌های پارچه نمایشگر تأثیر منسوجات ایلخانی بر پارچه‌های مملوکان مصر، به‌منظور بررسی نحوه تأثیرپذیری از منظر نقش‌مایه‌ها و ترکیب‌بندی بوده است. روش تحقیق به‌صورت تاریخی، توصیفی و تطبیقی است و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای و با انتخاب نمونه‌های بارز منسوجات دو دوره، موجود در موزه‌های جهان انجام پذیرفته است. نتایج پژوهش نشانگر تأثیرپذیری پارچه‌بافی مملوکان از نمونه‌های منسوجات ایلخانی در زمینه‌ی نقوش، افزایش استفاده از مدالیون‌های ترنجی، بادامی و اشکی شکل و همچنین ترکیب‌بندی‌های جدید، استفاده از قاب‌های توریقی/طاقی، استفاده از طرح‌های ساقه‌های تاک عمودی و منحنی و ترکیب‌بندی حاشیه ضخیم و مدالیون‌های ترنجی و گل اناری به‌صورت یک دوم به جای منظم و حاشیه‌های ترکیب شده با مدالیون و خطوط و ترکیب دوگانه مدالیون‌ها است.

واژگان کلیدی:

ایلخانی، مملوکیان، منسوجات اسلامی، نقش‌مایه، ترکیب‌بندی

مقدمه

در ادوار مختلف تاریخی، همواره منسوجات به‌عنوان یکی از ارکان اقتصادی، مورد توجه حکومت‌ها بوده‌است؛ کالایی ارزشمند و با قابلیت حمل و نقل آسان که حجم بسیاری از واردات، صادرات، مالیات، خراج و هدایای سیاسی را برآورده می‌کرده و به همین دلیل در بین سرزمین‌های گوناگون، مبادله می‌شده‌است (Jenkins, 2003: 1-2). همچنین در جهان اسلام، منسوجات گرانبها نقش نمادینی در بیان قدرت سیاسی و زمینه مذهبی داشته و جایگاه مهمی در سازمان بخشیدن به جامعه و ابزاری برای نمایش حقانیت و تعیین معیارهای زیبایی و محرکی برای اقتصاد و توسعه ثروت بوده است (Mackie, 2015: 12). ساختار تاریخ‌نگاری طراحی منسوجات جهان، ارتباط تنگاتنگی با ساختار تجارت در ادوار مختلف تاریخی دارد و تغییر و تحولات در طراحی منسوجات، پی‌آیند این تحولات محسوب می‌شود. در بسیاری از متون تاریخی شواهد تجارت و ... دیده می‌شود؛ اما کمتر سخنی درباره طراحی منسوجات در آنها وجود دارد (Harris, 1993: 9-10).

از اینرو، در مقاله حاضر با اتکا به اشاراتی که در متون تاریخی به تجارت و تبادل هدایای میان ایران در دوره ایلخانی (۶۵۴ تا ۷۵۰ ه.ق. / ۱۲۵۶ تا ۱۳۳۵ م.) و مملوکان مصر (۶۴۸ تا ۹۲۳ ه.ق. / ۱۲۵۰ تا ۱۵۱۷ م.) و تأثیر پارچه‌بافی ایران بر رشد و توسعه هنر-صنعت نساجی مصر شده که در ادامه به تفصیل از آنها سخن خواهیم گفت، در صدد یافتن شواهدی از تأثیر‌گذاری طراحی منسوجات دوران ایلخانی ایران بر منسوجات ممالیک معاصر آنها هستیم. سنت پارچه‌بافی ایران، به‌ویژه سنت ساسانی، از دیرباز بر پهنه‌های وسیعی از دنیای کهن تأثیرگذار بوده و شواهد این تأثیر را می‌توان در مصر دوران قبطی (Eastman, 1932: 28) و فاطمیان (Beckwith, 1989: 20-27) مشاهده کرد. اما با تسلط مغولان بر ایران و شکل‌گیری حکومت ایلخانی، هنرهای گوناگون از جمله پارچه‌بافی، دچار تغییرات بسیار

گشت؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت از منظر نقش و ترکیب‌بندی، به‌کلی از سنت ساسانی و عباسی که تا آن زمان تداوم یافته بود (فتحی و فرهود، ۱۳۸۸، ۵۱-۵۰)، فاصله گرفته و تحت‌تأثیر سبک و طراحی چین دوره مغولی یوان^۱، سبک جدیدی در منسوجات ایرانی پدید آمد (Komaroff & Carboni, 2002: 172-180). مغولان از آنجا که از سودآوری تجارت ابریشم زربفت آگاه بودند، صنعت ابریشم‌بافی و زری‌بافی را به حد اعلا مورد توجه قرار دادند و پارچه نسج^۲، از بافته‌های معروف آن دوران، تحت حمایت آنها تولید شد (Mack, 2001: 28-30). دوره ممالیک مصر نیز، به دلیل حمایت از خلیفه عباسی و تبدیل شدن شهر قاهره به مرکز دنیای اسلام (Stilt, 2011: 30-31)، آثار درخشان و بازرشی دارد که نماینده عشق و علاقه سلاطین مملوک به هنر و سازندگی است. یکی از مهم‌ترین هنرهای سلطنت مملوک، پارچه‌بافی بود. ابریشم و زربفت، نقشی مذهبی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی داشت و یکی از کالاهایی بود که بیشترین میزان صادرات، واردات، هدایای سیاسی، پرداخت مالیات و خراج به‌واسطه آنها انجام می‌شد (Mackie, 2008: 127-129).

با توجه به شواهد تاریخی، مقاله حاضر پس از بررسی مناسبات سیاسی و تجاری ایران ایلخانی و ممالیک مصر در حفاصل قرون هفت و هشت هجری/سیزده و چهارده میلادی و تبیین زمینه‌های ارتباط دو حکومت، به بررسی منسوجات دو دوره ایلخانی و مملوکان پرداخته است و در نهایت از طریق مقایسه تطبیقی نقوش و ترکیب‌بندی منسوجات ایران و مصر در این دوره، میزان و نحوه تأثیر منسوجات ایلخانی بر منسوجات مملوک را مشخص ساخته است. تحقیق حاضر از نمونه تحقیقات کیفی بوده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و بررسی منسوجات برگرفته از موزه‌های جهان انجام پذیرفته و منسوجات از میان نمونه‌هایی انتخاب شده که بیشترین شواهد تأثیر را نشان می‌دهند.^۳

پیشینه پژوهش

در خصوص منسوجات ایلخانی پژوهشگران گوناگونی به حمایت مغولان از توسعه مجدد هنر-صنعت پارچه‌بافی ایران (پطروشفسکی و بویل، ۱۳۸۵: ۴۷۶-۴۷۵، روح‌فر، ۱۳۸۴: ۱۵۲-۱۴۳، طالب‌پور، ۱۳۹۲: ۴۵)، نقش آن در مرادوات سیاسی و تجاری در این دوران (Mack, 2001: 28) تغییرات روی داده در سنت منسوجات ایران در این بازه زمانی (محمد حسن، ۱۳۶۳: ۲۳۵، بیکر، ۱۳۸۵: ۸) و تأثیر پارچه‌های ایلخانی بر پارچه‌های ایتالیا و اروپا (فرهود، ۱۳۸۷، ۱۲۱، Mack, 2001, 45, Schoeser, 2007: 42) و پیشینه تأثیرات منسوجات ایران بر منسوجات مصر قبل از ممالیک (پور جعفر و محمودی، ۱۳۸۷، ۱۷، Beckwith, 1989: 20-27, Meri, 2006: 174-180, Eastman, 1932: 28, Harris, 2003: 71-74) و درباره منسوجات دوره ممالیک از بُعد طراحی و تأثیرپذیری از منسوجات ایران دوره اسلامی (Mackie, 1984: 127-146, Mackie, 2015: 240-276) درباره تأثیر

مهاجرت و تجارت ایران بر منسوجات مصر (کونل، ۱۳۴۷: ۱۴۱، Scanlon, 1987: 51, Mackie, 2015: 246, Lapidus, 1984: 175, اشاره کرده‌اند. فرهود (۱۳۸۷) نیز در بررسی ارتباط میان نقوش ایلخانی و منسوجات ایتالیا، به نقش هدایای سیاسی و تجارت ایلخانی و ممالیک در واسطه‌گری این تأثیرپذیری اشاره دارد؛ اما با وجود اینکه موارد فوق ضمن فراهم آوردن زمینه ارتباطی دو منطقه و امکان بررسی تطبیقی را فراهم می‌آورد، تا کنون پژوهش مستقلی در زمینه نحوه تأثیرگذاری منسوجات ایلخانی بر منسوجات ممالیک صورت نگرفته‌است.

 روابط ایران عصر ایلخانی و مصر دوره سلطنت مملوکان
 و تأثیر آن بر منسوجات

حمله مغولان به رهبری چنگیز به آسیای غربی در سال ۶۱۶

هق. / ۱۲۲۰م. آغاز و با فتح کامل ایران توسط اوکتای قآن در سال ۶۲۸ هق. / ۱۲۳۲م. و شکست اسماعیلیان و تسلط بر نواحی شمال غربی و همچنین انقراض سلسله عباسی در سال ۶۵۶ هق. / ۱۲۵۸م، توسط هلاکوخان به پایه‌گذاری سلسله ایلخانیان منجر شد (رنج‌دوست، ۱۳۸۷: ۱۱۵) و سرانجام با پایان یافتن پیشروی مغولان به سمت غرب در نبرد عین‌الجالت (۶۵۸ هق. / ۱۲۶۰م)، فرات به مرز دائمی میان ایلخانیان و ممالیک مصر بدل شد (ولایتی، ۱۳۸۶: ۷۳۰). ممالیک^۴ جنگ‌آورانی دلیر بودند که به مدت سه قرن در دو سلسله بحریه (۷۸۴-۶۴۸ هق. / ۱۳۸۲-۱۲۵۰م) و سلسله برجیه (۹۲۳-۷۸۴ هق. / ۱۵۱۷-۱۳۸۲م) بر مصر و سوریه حکومت کردند^۵ (شبارو، ۱۳۸۰: ۴۹-۱۷). پس از فتح بغداد به دست مغولان در سال ۶۵۶ هق. / ۱۲۵۸م. و فرار خلفای عباسی به مصر و پناه دادن ممالیک به آنها و احیای خلافت عباسی در سال ۶۵۸ هق. / ۱۲۶۱م، قاهره به مرکز جهان اسلام بدل شد^۶ (شبارو، ۱۳۸۰: ۱۴۴-۱۲۸). بعد از مقاومت سرسختانه‌ی ممالیک در برابر اقدامات توسعه‌طلبانه‌ی ایلخانیان، طولانی‌ترین روابط خصمانه بین طرفین به وجود آمد؛ گونه‌ای که باعث استقرار و تداوم وضعیت جنگی بین دو حکومت به مدت شصت سال گردید. علاوه بر لشکرکشی، کینه‌های گسترده‌ی ایلخانیان نسبت به ممالیک مصر و بالعکس^۷، به اشکال مختلف از جمله زدوخوردهای محدود مرزی، ارسال نامه‌های تهدیدآمیز، اعزام جاسوس، ردوبدل سفرا، تلاش جهت ایجاد سدهای نظامی علیه رقیب و به‌ویژه پناه دادن به فراریان و پناهندگان تداوم یافت. این امواج فرار که در منابع عربی تحت عنوان وافدیه و مستأمنین، به معنای گروه پناه‌خواه‌های فراری شناخته شده‌اند، به سطوح وسیع سواره‌نظام ترک، کرد یا مغول اطلاق می‌شود که از ایران، عراق، آسیای صغیر و مکان‌های دیگر، به قلمرو ممالیک مهاجرت کرده و خواهان حمایت و به‌کارگیری از جانب سلطان مصر بودند. در بین این افراد، تعداد زیادی از هنرمندان و صنعتگران، از جمله پارچه‌بافان نیز وجود داشتند (Scanlon, 1987: 51). به دلیل استیلای مغول بر شرق دور تا بغداد، راه‌های تجاری این مناطق برای ممالیک ناامن گشت و در نتیجه، راه تجاری دریای سرخ و مسیر اقیانوس هند، دریای سرخ، دریای مدیترانه برای تجارت غرب و شرق، اهمیت و رونق یافت که این شکوفایی، موجب رونق اقتصادی مصر در دوره حکومت بیبرس گشت^۸.

منسوجات اسلامی ممالیک که در شرق فرات یافت می‌شد، الهم‌بخش بافندگان چینی گشتند و چینی‌ها، ابریشم‌های راه‌کنیبه‌دار اسلامی مصری را برای فروش در بازارهای اروپای و مصری، کپی می‌کردند (Lapidus, 1984: 175).

منسوجات ایلخانی

مغولان بیابانگردانی بودند که تنها چند حرفه از جمله فلزکاری و بافندگی، به‌منظور تولید پارچه‌های مجلل برای لباس‌ها و چادرهایشان که نماد شکوه امپراطوری آنها بود؛ برایشان اهمیت داشت (پرایس، ۱۳۷۳: ۹۵) و پس از آشنا شدن با تمدن ایران و چین، از تولید پارچه‌های زربفت حمایت کردند که نمادی از قدرت آنها بود (Mackie, 2015: 213).

با حمله مغول، بسیاری از مراکز فعال پارچه‌بافی نظیر شوش، شوشتر و ری ویران شدند (روح‌فر، ۱۳۹۲: ۲۹). شهر ری هرگز رونق سابق را پیدا نکرد؛ اما به تدریج، مغولان از جان افرادی که می‌توانستند برایشان خدماتی فراهم کنند، از جمله بافندگان پارچه، می‌گذشتند (Mackie, 2015: 215). به‌عنوان مثال، پس از تصرف شهر مرو، معترض صنعتگران آن شهر نشدند (محمد حسن، ۱۳۶۶: ۲۳۶) و در شمال از کشتار صنعتگران گذشتند (پرایس، ۱۳۷۳: ۹۵). پس از دوران رکود نساجی ایران تا دوره غازان خان (۶۹۵ هق. / ۱۲۹۵م) (روح‌فر، ۱۳۹۲: ۲۹) وی و جانشینانش، حمایت از صنعتگران را آغاز کردند (محمد حسن، ۱۳۶۶: ۲۲). آنها ارتباط تجاری ایران با کشورهای غربی را توسعه دادند (Mackie, 2015: 212). غازان خان تبریز را مرکز علم، هنر و تجارت ساخت و اصلاحات بسیاری در ایران، به‌ویژه در تبریز و شهرهای پیرامون آن پدید آورد (پرایس، ۱۳۷۳: ۹۷). اولجایتو شهر سلطانیه را بنیان نهاد و با استقرار هنرمندان و صنعتگران، آن را به یک مکان مهم تجاری تبدیل کرد (فرهود، ۱۳۸۷: ۱۱۳). شیراز نیز، به واسطه نزدیکی به هرمز و باز شدن راه دریای کهن که به چین می‌رفت، رونق داشت و کالاهای کشورهای غربی و کالاهای

هرچند پس از روی آوردن احمد تگودار، سومین پادشاه ایلخانی به اسلام، روابط ایلخانیان با ممالیک مصر بهبود یافت؛ اما این امر دیری نپایید و با مرگ او، ارغون‌خان و گیخاتوخان راه وی را ادامه ندادند (فرهود، ۱۳۸۷: ۱۱۲). در این زمان به دستور او، منسوجات و لباس‌های زربفت و گرانبه‌ای تولید شده در تبریز، به‌عنوان هدایای سیاسی برای سلاطین ممالیک فرستاده شد (فرهود، ۱۳۸۷: ۱۱۴). با روی کار آمدن ابوسعید، پسر اولجایتو، تلاش برای بهبود روابط با ممالیک افزایش یافت و در سال ۷۱۷ هق / ۱۳۱۸م از سوی سلطان مصر، هدایای زیادی برای سلطان ابوسعید فرستاده شد. اما تأثیر تجارت منسوجات ایلخانی، در نتیجه افزایش ارتباطات سیاسی و

چینی در آنجا مبادله می‌شد (پرایس، ۱۳۷۳: ۱۰۰). یکی از مهم‌ترین اقلام صادراتی ایران، منسوجات کمیاب و ارزشمند ابریشمی بودند که به راحتی حمل‌ونقل و با ارزشی معادل پول، به‌عنوان مالیات و غرامت جنگی پرداخت می‌شدند. ابریشم قسمتی از مالیات‌های کالایی نیز بود (روح‌فر، ۱۳۹۲: ۲۹). به‌عنوان مثال در سال‌های دهه ۶۳۰ ه.ق. ۱۲۳۰ م. خراج را از خلیفه‌ی عباسی در بغداد، به‌صورت طلا، پارچه‌های زربفت و داماسک، دریافت کردند (Mackie, 2015: 213).

علاقه‌ی مغولان به پارچه‌های زربفت و طلا بسیار بود. طلا به‌واسطه‌ی رنگ، درخشش و تداعی کردن ماه و خورشید که جایگاه ویژه‌ای نزد مغولان داشت، تحسین می‌شد (Mackie, 2015: 213) و فقط پارچه‌ای را که از رشته‌های طلا و ابریشم بافته شده، می‌توان با قطعیت به ایران عهد ایلخانان منسوب کرد^{۱۰} (بلر، بلوم، ۱۳۸۱: ۳۳). انواع پارچه‌های زربفت پیشین، در دوره ایلخانان رونق گرفت و مغولان استادان زرّی‌بافی را به مراکز پارچه‌بافی ایران فراخواندند (روح‌فر، ۱۳۹۲: ۳۱). کارخانجات بغداد با تشویق عظامک جوینی توسعه پیدا کردند و قسمت عمده هدایای سالیانه او به دربار را پارچه‌های زربفت تشکیل می‌داد (طالب‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱۳). به همین دلیل مغولان منسوجات گرانبها و منابع تولید آن را کنترل می‌کردند. تحت لوای حکومت آنان، اتحادیه‌های پارچه‌بافان تشکیل شد (طالب‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱۶). همچنین خاندان‌های مغول از شرکت‌های تجاری بزرگ مسلمانان حمایت می‌کردند. کار این شرکت‌ها، تجارت بین‌المللی و نیز خرید و فروش منسوجات گرانبها بود (فریود، ۱۳۸۷: ۱۱۴). در حد فاصل حکومت غازان خان تا مرگ ابوسعید، تحولات زیادی در زمینه تولید منسوجات از جمله رونق دوباره کشاورزی، تولید مواد خام، پرورش کرم ابریشم، رواج دوباره ابریشم‌بافی در خوزستان، گناباد، خراسان و گیلان، رونق مجدد صادرات، بازسازی سازمان کالا و گسترش تولید از طریق احیای مراکز قدیم پارچه‌بافی همچنین ایجاد مراکز جدیدی همچون تبریز، کاشان، یزد، کرمان، خراسان و به‌ویژه نیشابور رخ داد (فریود، ۱۳۸۷: ۱۱۶). همچنین کارگاه‌های پارچه‌بافی در شهرهای تبریز، سلطانیه، یزد، کاشان و نیشابور دایر شدند. البته نیشابور قبل از حمله مغول نیز از مراکز مهم پارچه‌بافی بود که در دوره‌ی ایلخانان کارگاه‌های دیگری به آن افزوده شد (روح‌فر، ۱۳۹۲: ۳۰). یزد، مراغه، همدان، قزوین و کاشان برای بازارهای بین‌المللی پارچه تولید می‌کردند و تبریز و اصفهان مراکز تجاری بین‌المللی بودند (فریود، ۱۳۸۷: ۱۱۶). در شهرهای مهم تجاری ایلخانان، ابریشم، یکی از مهم‌ترین کالاهای تجاری مورد توجه بازرگانان اروپایی، چینی و مصری بود (Mackie, 2015: 215). ویژگی‌های ثابت تکنیکی بافت‌ها، علی‌رغم متنوع بودن مراکز پارچه‌بافی در این دوران، یزد، اصفهان، شیراز، کرمان، بغداد، تبریز، سلطانیه، نیشابور، هرات، گرگانج، بخارا و سمرقند، و وجود کارگاه‌های پارچه‌بافی و طراز حکومتی متعدد در شهرهای مختلف و نظارت دستگاه دولتی بر آنها را اثبات می‌کند (Mackie, 2015: 213). ایلخانان، بافندگان و طراحان پارچه را به مراکز مهم بافندگی کوچ می‌دادند و همچنین بافندگان از مناطق مختلف را در یک مرکز جمع می‌کردند که باعث تلفیق سبک‌های هنری و تکنیک‌های بافت می‌شد. بنا به گفته‌ی جوینی، «پس از قتل و غارت و خونریزی در گرگانج ... هنرمندان جدا شدند و به کشورهای شرقی فرستاده شدند» (Mackie, 2015: 213).

مقارن با حکومت ایلخانان مغولی در ایران، خاندان مغولی یوان در چین حکومت می‌کرد. به دلیل خویشاوندی این دو خاندان، روابط فرهنگی، فنی و بازرگانی بین آن‌ها برقرار بود؛ به همین دلیل عده‌ی زیادی از بافندگان چینی به ایران آمدند؛ همچنین ورود کالای چینی و گسترش دامنه تجارت ایران با آن کشور موجب افزایش تأثیر سبک تزیینات چینی در صنعت نساجی ایران گشت (محمد حسن، ۱۳۶۶: ۲۳۴) و هنر ایران تحت تأثیر هنر شرق، به‌ویژه هنر سلسله سونگ^{۱۱} و یوان قرار گرفت (رنج‌دوست، ۱۳۸۷: ۱۱۵). در مقابل، مهاجران اسلامی از جمله بافندگان به چین کوچ کردند و به بافت پارچه‌های ابریشمی مشغول شدند که به کشورهای اسلامی، شرقی و حتی ایتالیا برده می‌شد و تأثیر زیادی در سبک و اسلوب مراکز بافندگی این مناطق ایجاد کرد.

به دلیل همجواری با بافندگان چینی، بافندگان ایرانی، از نقوش تزیینی چین دوره‌ی سلسله‌ی یوان همچون اژدها، ققنوس، حیوانات افسانه‌ای، گل لوتوس و چلیپا شکل و ابره‌های چینی، تقلید نمودند (محمد حسن، ۱۳۶۶: ۲۳۵). بافندگان هرات و چین با یکدیگر کار می‌کردند و این موجب ترکیب الگوها و تکنیک‌های چینی و اسلامی گشت (فریود، ۱۳۸۶: ۱۱۶). در انتهای این دوره، منسوجات ایلخانی را می‌توان گونه‌ای ظریف از طراحی‌های چینی به‌صورت مقارن دانست که در قالب ردیف‌هایی متناوب و با حیوانات سنتی اسلامی و اسلیمی‌های گلدار ترکیب شده‌اند (بیکر، ۱۳۸۵: ۸۸) از این‌رو، طراحی پارچه در ایران که پیش از این تداوم سنت ساسانی، یعنی استفاده از مدالیون‌های مدور به‌عنوان عنصر اصلی ترکیب‌بندی و نقوش جانوران و پرندگان و نقشمایه درخت زندگی بود (تصویر ۱)^{۱۲} و تا دوران پیش از ایلخانی در ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی دوام آورده بود (فتحی و فریود، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۰)، به‌طور کلی دگرگون شد. در نتیجه سلیقه مغولان به تاسی از حاکمان چین و رد و بدل شدن هنرمندان بین این دو منطقه، آنها از طرح‌های متراکم و کم‌رنگ استفاده می‌کردند (طالب‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱۴) و پارچه‌هایی با رنگ‌های ملایم و روشن و در تنوع رنگی پایین (تصاویر ۲ تا ۷)، یعنی معمولاً در دو رنگ و به صورت زمینه تیره و نقوش روشن‌تر، تولید می‌کردند (محمد حسن، ۱۳۶۶: ۲۳۸).

آنها درون مدالیون‌های توریقی طاقی (تصویر ۳)^{۱۳} و بیضی شکل، طرح گل (تصویر ۲)^{۱۴}، غنچه، برگ طبیعی و برگ نخلی قرار می‌دادند (دیماند، ۱۳۸۰: ۲۴۶). از موضوعاتی که در منسوجات مغولی دیده می‌شود، می‌توان به رواج حاشیه‌های رنگی لباس‌های تزیین یافته با خطوط هندسی مستقیم یا منکسر و یا متقاطع (تصویر ۵)، تزیینات نباتی تعبیر شکل یافته، همچون برگ درختانی که از اصل و ریشه درخت می‌رویند و پوشاندن تمامی سطح پارچه و رسم اسلیمی و اشکال آجرهای کاشی (تصویر ۴)^{۱۵} اشاره کرد (محمدحسن، ۱۳۶۶: ۲۳۷). نقش ترنج‌های چند پره متناوب، لوزی‌های تزیینی، پرندگان اساطیری (تصویر ۵)^{۱۶}، حیوانات (تصویر ۷)^{۱۷} و وجود کتیبه، از دیگر موضوعات تزیینی رایج دوره‌ی ایلخانان بود (بلر، بلوم، ۱۳۸۱: ۳۳). نقش گل اناری (تصویر ۶)^{۱۸} نیز دارای منشأ مشخصی نیست و برخی آن را نتیجه ارتباط نقوش چینی و آسیای میانه و بسیاری منشأ آن را ایرانی می‌دانند (Mack, 2001: 38). در بررسی‌های باستان‌شناسی این دوره نیز، قطعه‌ای از زربفت با کتیبه مرتبط با ابوسعید به‌دست آمده که

خود رسید. هنرمندان توسط دولت به گروه‌هایی، احتمالا اصناف (صنف) خیاطان، گلدوزان، بافندگان و ...، تقسیم می‌شدند و به وسیله‌ی مأمور بازار، محتسب، برای جمع‌آوری مالیات و اطمینان از کیفیت تولید و میزان قیمت و رعایت مسایل اخلاقی، مدیریت می‌شدند.

در دوران ممالیک سبک جدیدی در ابریشم‌بافی، تحت تأثیر کارخانه‌های چینی دوره‌ی مغول‌ها به‌وجود آمد. در کنار کتیبه‌های چند سطری و نوشتاری، طرح‌های اسلیمی، بوته‌های نیلوفر آبی که تحت تأثیر نقوش تزینی چین بودند (تصویر ۱۱) ^{۳۳}، رواج یافت (کونل، ۱۳۴۷: ۱۴۱). معرفی هنر و نقوش چینی (همچون گل صد تومانی، نیلوفر آبی، ابرها، سیمرغ و طرح‌های گلدار سیال) یکی از تغییرات مشخص در تولید منسوجات بود (تصویر ۱۲) ^{۳۴}. در همان حال که نقوش شرقی بر هنر مملوکان در اواخر قرن سیزدهم میلادی هویدا شد، حضور پررنگ آنها در سبک تکامل یافته بحری در قرن چهاردهم نیز، به موفقیت بازار صادرات ابریشم یوان مربوط است (Walker, 2000: 170). پارچه‌های ابریشمی با تزیینات برگ نخلی، مدلیون‌های بادامی، اشکی، دایره‌ای و ترنجی که با حاشیه‌های طرح طوماری (تصویر ۱۳) ^{۳۵} پر شده‌اند، تولید می‌شدند. همچنین نقش پرنده و عقاب‌های زوج، گل‌هایی با اسلوب چینی، اژدها، طوطی بر پارچه‌های ابریشمی این دوران دیده می‌شود (دیماند، ۱۳۸۰: ۲۴۲-۲۴۰). مورخان جدید توجه خود را به گزارش اهدای هفتصد بار ابریشم ارسالی از سوی خان مغول به سلطان مملوک، به نشانه‌ی پیمان صلح در سال ۷۲۳ ه.ق. / ۱۳۲۲ م. معطوف داشته‌اند که در نتیجه آن تأثیر سبک طراحی چینی، با امضای معاهده صلح بین ممالیک و مغولان ایلخانی ایران و عراق، در سال ۱۳۲۲ م / ۷۲۳ ه.ق. افزایش یافت (Mackie, 2015: 251).

طراحی‌های آزاد و هماهنگ، اشکال ققنوس، گل نیلوفر آبی و گل داوودی، به‌عنوان اقتباسی از نقوش تزینی چینی (تصویر ۱۴) ^{۳۶}، توسط هنرمندان خاور دور بر پارچه‌ها و بلور و فلزات نقش می‌شدند و ممالیک مصر، خواستار این پارچه‌های ابریشمی و زربفت از چین و آسیای میانه (ایران ایلخانی) بودند. به همین دلیل کم‌کم اژدها و طوطی با کتیبه‌های عربی در هم آمیخت و موجب پیوند مشرق و مغرب گشت (پرایس، ۱۳۷۳: ۹۲).

بررسی تطبیقی منسوجات ایران ایلخانی و مصر ممالیک

همانگونه که در نمودار ۱ و جدول ۱ می‌توان دید، با پدید آمدن دولت ایلخانی، سنت طراحی منسوجات ایران که برای قرون متمادی تداوم سنت ساسانی محسوب می‌شد، از بُعد نقوش و ترکیب‌بندی دچار تغییرات می‌شود و تغییر در نقش‌مایه‌های جانوری و گیاهی و همچنین ظهور نقش‌مایه‌های ترنجی و گل اناری و نقوش گل‌های صدتومانی و برگرفته از نقوش چینی، سنت طراحی منسوجان ایران را تغییر می‌دهد. در منسوجات ممالیک نیز علی‌رغم تداوم سنت طرازهای چند ردیفی فاطمی و تأثیر آنها بر هنر چین که به منظور صادرات این نقش‌مایه را تکرار می‌کند، این شیوه طراحی به‌واسطه چین وارد ایران شده و با تغییر در ساختار هندسی اولیه و ترکیب با نقوش چینی، دچار تغییر می‌گردد. نظر به متأخر بودن این تغییر، نمی‌توان به‌طور دقیق اظهار نظر نمود که تغییرات این نقش در ادامه دوره ممالیک از ایران ایلخانی نیز تأثیر پذیرفته است یا خیر؛ اما از آنجا که به‌جز اوایل سده چهاردهم، در ادامه منسوجات مملوک این نقش‌مایه تداوم نمی‌یابد،

دارای نوارهای پهن و باریک متناوب و به رنگ خرمایی روشن است که با ترنج و لوزی و نقوش طاووس تزیین شده است و نقوش سفال‌های این دوران نیز نمایش نقوش ستاره‌ای و هندسی مشابه کاشی‌کاری در منسوجات این دوره است (روح‌فر، ۱۳۸۴: ۱۵۳-۱۵۱).

منسوجات ممالیک

سنت پارچه‌بافی مصر تا پیش از ممالیک را باید تداوم سنت فاطمی در دوران پرتنش ایوبیان دانست. سنت بافت پارچه‌های طراز که با خطوط متعدد نوشتاری و نقش‌مایه‌هایی برگرفته از ایران ساسانی و مدالیون‌های قبطی با نقوش گیاهی و جانوری همراه بود (تصویر ۸) ^{۳۸}. اما با توسعه توجه مملوکان به تجارت منسوجات، این رویکرد به میزان زیادی تغییر یافت. سلاطین مملوک، به‌ویژه دوره بحری که در قرون هفت و هشت ه.ق. / سیزده و چهارده م. بر مصر و شام حکومت می‌کردند، پشتیبان هنرمندان و جنگاوران بودند. در اوایل دوران مملوکان، مراکز مهم تولید پارچه در سوریه، شهرهای حلب و دمشق و همچنین شهرهای بلبک ^{۳۹} و اسکندریه ^{۴۰} بودند. شهرهای مرکز بافندگی دلتای نیل در مصر، به علت عقب‌نشینی صلیبیان و ترمیم خرابی‌های ناشی از آن، از زمان سلسله‌ی ایوبیان به شدت رونق یافت (بیکر، ۱۳۸۵: ۷۵). قاهره، پایتخت بیبرس، پناهگاه مردم فراری از سرزمین‌هایی بود که مورد هجوم مغولان قرار گرفته بودند (پرایس، ۱۳۷۳: ۸۲). معرفی دوباره دستگاه زری‌بافی در سرزمین ممالیک را به استادان پارچه‌بافی ایرانی و عراقی که پس از حمله مغول به این سرزمین پناه آورده بودند، نسبت می‌دهند؛ که این مقوله از شباهت تکنیک بافت پارچه‌های مملوک به پارچه‌های ایران دوره‌ی سلجوقی، استنباط شده‌است (تصویر ۹) ^{۴۱}. ورود دستگاه زری‌بافی به مصر، تولید طرح‌های پیچیده و پارچه‌های دولا و سه‌لا را فراهم کرد (Walker, 2000: 178). بر اساس نوشته‌های ابن خلدون، حتی واژه‌ی فارسی زرکش برای پارچه‌های مملوک بافته شده با ابریشم و طلا، استفاده می‌شده است (Mackie, 2015, 246). هنرمندان مهاجر، صنایع هنری مملوکان از جمله پارچه‌بافی را با تأثیر از طرح‌های ابریشم‌های ایران، احیا کردند (تصویر ۱۰) ^{۴۲}. بیشترین تأثیر بر هنر ممالیک، تأثیر ترکیه و ایران بود (Lapidus, 1984: 175). مهم‌ترین دوره هنری ممالیک در زمان سلطنت سلطان نصیرالدین (۷۶۶-۷۲۷ ه.ق. / ۱۳۸۸-۱۳۴۹ م.) بود که کارگاه‌های قاهره و دمشق علاوه بر تولید کتیبه، اشیای هنری دیگر از جمله پارچه، فرش و ... نیز تولید می‌کردند (هاگدون و ولف، ۱۳۹۴: ۳۰).

مکتوبات مربوط به منسوجات مملوک بسیار است. منسوجات «مهم‌ترین بخش از ثروت بورژوازی» بودند و در مکتوبات قرون وسطی از آنها به‌عنوان کالای واردات و صادرات یاد و صنعت نساجی در کنار فلزکاری، به‌عنوان تکیه‌گاه اصلی اقتصاد مملوکان معرفی شده است. همچنین محققان بر نقش سیاسی منسوجات مملوک تأکید دارند. تولید لباس توسط کارگاه‌های حکومتی برای مراسم دولتی همچون رژه‌ها، ضیافت‌ها و اهدای مقام در جهان اسلام رایج بود و مملوکان پارچه‌های گرانبها (مخصوصاً ابریشم‌های طراز و زرکش) را حتی بیشتر از فاطمیان تولید می‌کردند (Walker, 2000: 168). صنعت منسوجات ممالیک مصر، از اواسط قرن هفتم هجری قمری / سیزدهم میلادی تا نیمه دوم قرن هشتم هجری / چهاردهم میلادی، به اوج



نمودار ۱: رویدادهای سیاسی و تجاری ایلخانان و مالیک و منسوجات منتخب برای تحلیل

تأثیرپذیری	ترکیب بندی	نقشه‌بندی	منسوجات ممالیک	منسوجات ایلخانی
تغییر در سنت ترکیب نقوش تغییر در سنت ترکیب بندی تغییر در ساختار نقوش تغییر در ساختار ترکیب بندی افزایش ظرافت و تکنیک بافت نتیجه مهاجرت اولیه هنرمندان ایرانی	ترکیب بندی مدالیونهای توریقی با تکرار یک دوم بجای سنت ساسانی نقوش حیوانی به سنت ساسانی	تأثیرپذیری از سنت اواخر سلجوقی و مغول، مدالیونهای توریقی طاقی، نقوش اسلیمی، نقوش حیوانی به سنت ساسانی	تصویر ۹ اثرشم زریخت، سوربه (قرن ۱۳ م) http://www.metmuseum.org/art/collection/search/445248 (1395/10/07)	تصویر ۲ اثرشم زریخت، ایلخانی، ایران (قرن ۱۳ م) http://fibercopia.com/fag/iranian-textiles/1395/10/07
تغییر در ساختار نقوش تغییر در ساختار ترکیب بندی افزایش ظرافت و تکنیک بافت نتیجه مهاجرت اولیه هنرمندان ایرانی	نقوذ اولیه ترکیب بندی بیضوی شکل تغییر ترکیب بندی و حذف نقوش درون مدالیون ها	نقوذ نقوش اساطیری تحت تأثیر خاور دور نقوذ نقوش اسلیمی و گلپای چینی	تصویر ۱۰ اثرشم، منتسب به سوربه (قرن ۱۳ م) http://www.metmuseum.org/art/collection/search/4450741 (1395/10/07)	تصویر ۳ اثرشم زریخت، ایران (قرن ۱۴ م) http://www.clevelandart.org/art/1945.34(1395/10/07)
تأثیرپذیری هنر ایلخانی از ترکیب بندی ممالوک / فاطمی به واسطه چین تغییر ترکیب بندی ردیفی ممالوک	تأثیرپذیری هنر ایلخانی از ترکیب بندی فاطمی / راهبان به هنر چین و سپس ممالوک افزایش فضای رنگی ترکیب بندی اولیه تغییر شکل ترکیب بندی مدالیونهای مدور	نقوش جانوران رو بهم در درون ساختار طراز نقوش مدالیون های گل مانند چین تأثیر پذیری از نقوش چینی	تصویر ۱۱ اثرشم دورو، ممالوک (اولین قرن ۱۴ م) http://www.metmuseum.org/art/collection/search/448556 (1395/10/07)	تصویر ۴ اثرشم با تار طلا (قرن ۱۴ م) http://www.smb-digital.de/eMuseumPlus?id=119011&view(1395/10/07)
تغییر ترکیب بندی آزاد چین / خطی ممالوک به ساختار ترکیبی مدالیون و حاشیه ایلخانی	تغییر ساختار ترکیب بندی دوگانه مدالیون / حاشیه توریقی / طاقی حاشیه محیط ضخیم و به هم پیوسته	استفاده از حاشیه محیط بر مدالیون میانی تقویت حاشیه ها و افزایش ضخامت آنها ترکیب نقوش گیاهی و جانوری در حاشیه	تصویر ۱۲ اثرشم با بافت ساتن، ممالوک (۱۵-۱۴ م) http://www.artic.edu/collections/artwork/995007?search_no=2&index=2(1395/10/07)	تصویر ۵ اثرشم، ایلخانی، ایران (قرن ۱۴ م) http://collections.vam.ac.uk/item/O129376/woven-silk-unknown(1395/10/07)
تأثیرپذیری از نقش مایه ایرانی گل اتاری و ترکیب بندی فعل و انفعالی میان حاشیه محیط و مدالیون میانی	تغییر ترکیب بندی ساده حاشیه به ترکیب بندی های پیچیده تر ترکیب بندی میان نقش میانی و حاشیه ترجیحی شکل و فعل و انفعال میان نقش میانی و حاشیه	استفاده از نقوش گل اتاری استفاده از حاشیه های تزئینی و انگی توسعه استفاده پیچیده از اسلیمی ها برای ایجاد حاشیه های با ضخامت گوناگون	تصویر ۱۳ اثرشم، مصر با سوربه (قرن ۱۶-۱۴ م) http://www.metmuseum.org/art/collection/search/450735(1395/10/07)	تصویر ۶ اثرشم، ایران یا آسیای میانه (قرن ۱۴ م) http://www.clevelandart.org/art/1939.44(1395/10/07)
تأثیر پذیری از ترکیب خطوط و نقوش تأثیر پذیری از توسعه ترکیب بندی ساده به پیچیده	حاشیه های پیچیده و دوگانه استفاده از مدالیون های کوچک در نقطه ترکیب حاشیه ها	استفاده از مدالیون های دوگانه نقوش کاربرد مدالیون های گل اتاری و تزئینی	تصویر ۱۴ اثرشم، ممالوک، مصر (قرن ۱۶-۱۴ م) http://collections.vam.ac.uk/item/O264758/woven-silk/1395/10/07	تصویر ۷ اثرشم، بافت ساتن، ایران (قرن ۱۴ م) http://www.smb-digital.de/eMuseumPlus?id=112031&view(1395/10/07)

باید جایگزینی سنت ایلخانی مدالیون‌های ترنجی‌شکل و گل اناری را به‌صورت آزاد و با تکرار یک دوم و همچنین نمونه‌های پیشرفته آن را در قالب ترکیب مدالیون‌ها با حاشیه‌های ضخیم و همچنین تقدم یافتن حاشیه‌های مجزا بر نقوش مدالیون‌ها و در نهایت ترکیب‌های پیچیده گیاهی، خطوط و همچنین ترکیب میان حاشیه و مدالیون و توجه به ترکیب‌بندی فضای منفی مابین آنها را باید در زمره تأثیرات ایلخانی بر ممالیک دانست.

نتیجه‌گیری

در دوره‌ی ایلخانی، شاهد تحولات بسیار در حوزه صنعت نساجی ایران، تحت تأثیر سلسله یوان چین هستیم که ناشی از سلیقه مغولان و تبادل هنرمندان و بافندگان میان دو کشور است که به تغییراتی در نقوش و ترکیب‌بندی منسوجات ایران که تا پیش از این از سنت ترکیب‌بندی ساسانی پیروی می‌کرد، هستیم و در نتیجه آن هنرمندان ایران به مرور شیوه جدید طراحی منسوجات را توسعه داده و سبک ایلخانی ایران را از ترکیب مضامین چینی و اسلامی پدید می‌آورند. پس از استقرار مغولان، مهاجرت هنرمندان و بافندگان ایرانی به دربار ممالیک و توسعه اولیه منسوجات ایرانی در آنجا و توسعه زری‌بافی در مصر و در ادامه صلح میان ایلخانان و ممالیک و به دنبال آن، تبادل هدایای سیاسی منجر به توسعه تأثیر منسوجات ایران بر منسوجات ممالیک مصر می‌گردد. در ادامه نیز توسعه تجارت میان

در کل می‌توان گفت که سنت طراحی منسوجات ممالیک، کمتر از خود نقوش چینی به صورت مستقیم تأثیر پذیرفته است. زیرا ترکیب‌بندی نقوش چین در این دوره، بسیار آزادانه و فاقد الگوی تکرار است و محدود مواردی نیز بیشتر تأثیر کوچ هنرمندان مسلمان به چین محسوب می‌گردد؛ از این رو می‌توان به‌طور قطع، واسطه‌گی سنت طراحی و ترکیب‌بندی منسوجات ایلخانی را در این تأثیرپذیری پذیرفت.

مراکز تجاری بین‌المللی در این دو کشور، همچون قاهره در مصر و تبریز و گرگانج در ایران که محل اجماع تاجران و بازرگانان ایرانی، چینی، مصری و اروپایی بودند؛ این تأثیرپذیری را فزونی می‌بخشد. در زمینه‌ی نقوش، افزایش نقوش ترنج، لوتوس، برگ نخلی‌ها و ابرهای چینی و حیوانات رو به هم، همچنین استفاده بیشتر از مدالیون‌های ترنجی، بادامی و اشکی شکل در نتیجه تأثیرپذیری منسوجات مملوک از منسوجات ایلخانی ایجاد گشتند. همچنین منسوجات مملوکان در ترکیب‌بندی‌های جدید، استفاده از قاب‌های منحنی و طاق رومی، استفاده از طرح‌های ساقه‌های تاک عمودی و منحنی، استفاده از مدالیون‌های اشکی، ترنجی، گل اناری و بادامی دارای تکرار یک دوم، تحت تأثیر منسوجات ایران ایلخانی قرار داشتند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Yuan، دودمان مغولی حاکم بر چین بود که بین سال‌های ۱۲۷۱ تا ۱۳۶۸ م. بر چین فرمان می‌راند.
 ۲. نسج (بافته)، نوعی از حریر زربفت
 ۳. نمونه تحقیقات کیفی در زمینه ارتباط تطبیقی منسوجات دو منطقه جغرافیایی، نظر به شواهد محدود منسوجات برجای مانده از ادوار تاریخی پیشین (به‌ویژه عدم برجای ماندن پارچه‌های لباس یا پارچه‌های مورد استفاده عموم مردم)، قصد و توانایی تبیین همه جانبه شکل‌گیری یک سنت پارچه‌بافی تحت تأثیر سنت دیگر مناطق را ندارد. از این رو پژوهش‌ها غیر قابل تعمیم بوده و تنها به بیان شواهد تأثیرپذیری محدود می‌گردند.
 ۴. Mamluks (به معنای برده) از بردگان سفید آسیایی ترک و چرکسی (Circassians/Cherkessk) محسوب می‌شدند که زادگاه اصلی آنان سرزمین قیچاق (Kipchak) و اطراف رود ولگا (Volga) در شمال دریای سیاه و قفقاز بود و بیشتر از سربازان سپاه صلاح‌الدین ایوبی (Saladin) بودند که از خانواده‌هایشان دزدیده و یا خریداری می‌شدند.
 ۵. سلسله بحری (که در دوره‌ی مد نظر این پژوهش، یعنی قرن هفت و هشت هجری/ سیزده و چهارده میلادی بر مصر و سوریه حکومت کردند) موفقیت بیشتری در حکومت داشت و در این دوره مصر و سوریه به لحاظ علمی، فرهنگی و هنری بسیار پیشرفته شدند (عبادی، ۱۳۸۹، ۱۸).
 ۶. عباسیان در قاهره، نوعی خلافت ظاهری داشتند و دلیل حمایت ممالیک از خلفای عباسی، اعتبار دادن به حکومتشان بود (کونل، ۱۳۴۷، ۱۲۷).
 ۷. جنگ و اتحاد ممالیک و مغولان آتین اردو، بر ضد ایلخانان و همچنین جنگ محص در ۱۲۸۱ م. را باید از آن جمله دانست.
 ۸. ممالیک نقش واسطه بین شرق و غرب را ایفا می‌کردند. بیبرس که اهمیت راه تجاری دریای سرخ و تأثیر امنیت راه‌های داخلی را در شکوفایی تجارت
- به‌خوبی دریافته بود، برای استقرار امنیت، نقاط مرزی و بنادر مصر و شام را به‌طور دقیق و منظم کنترل می‌کرد. علاوه بر این بیبرس، با انعقاد معاهدات تجاری، تأسیس مراکز بازرگانی و ایجاد نمایندگی‌هایی برای صیانت از حقوق تجار و اتباع خارجی، زمینه حضور تجار را به مصر فراهم ساخت. ایجاد نیروی دریایی مقتدر و ساخت انواع کشتی جنگی با هدف حفظ سیادت دریایی ممالیک و تسهیل انتقال کالا نیز، از دیگر اقدامات بیبرس در جهت تأمین امنیت و حفاظت از این راه تجاری بود (بادکوپه هزاوه، تاج بخش، ۱۳۸۸، ۸۷).
۹. با آزاد شدن معامله زر و سیم، به فرمان خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وزیر غازان خان، مقدار این دو فلز در سرزمین ایلخانی افزایش یافت؛ در نتیجه تولید پارچه‌های زربفت افزایش پیدا کرد.
۱۰. Sung، یکی از دودمان‌های حاکم بر چین بود که بین سال‌های ۹۶۰ تا ۱۲۷۹ م. بر چین فرمان می‌راند.
۱۱. تصویر برگرفته از یک ردای سلجوقی قرن ۱۲ م. ایران است، که در نمایشگاه موسسه هالی در آگوست ۲۰۱۵ م. در موزه متروپولیتن نیویورک به نمایش گذارده شد:
- http://www.imgrum.org/media/1289921569472337826_2709621320 (1395/10/07).
۱۲. قطعه ابریشم لمپاس، با ابعاد کلی ۲۶،۷ در ۱۴ سانتیمتر، موزه هنر کیولند، خریداری شده از بنیاد جی. اچ. وید.
۱۳. این قطعه ابریشم زربفت، به مجموعه نادر خلیلی تعلق دارد.
۱۴. ابریشم بافت مرکب، قرمز زردچوبه‌ی، بلندی ترنج‌ها ۸،۳ سانتیمتر، متعلق به موزه هنرهای اسلامی برلین.
۱۵. ابریشم نقش برجسته با زمینه لاجوردی و پود طلا، ابعاد ۷۰ در ۲۷ سانتیمتر، خریداری شده از دوستگه، فرانسه، موزه ویکتوریا و آلبرت لندن (شماره ۱۸۹۴ - ۷۶۹)



عبادی، مهدی، (۱۳۸۹)، نگاهی کوتاه به کارنامه دولت ممالیک، روزنامه رسالت، ۲۵، ۷۰۷۰، ۷.

فرپود، فریناز، خزایی، محمد، رهنورد، زهرا، (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی منسوجات ایران دوره‌ی ایلخانی و منسوجات ایتالیا در قرون هفتم و هشتم هجری قمری / سیزدهم و چهاردهم میلادی (از منظر طراحی نقوش)، هنرهای زیبا، ۳۶، ۱۲۲-۱۱۱.

فتحی، لیدا، فرپود، فریناز، (۱۳۸۸) سیر تحول نقوش پرند و موجودات اساطیری بالدرد در منسوجات آل بویه و سلجوقی، نگره ۴ (۱۲)، ۵۲-۴۱.

کونل، ارنست، (۱۳۴۷)، هنر اسلامی، ترجمه: هوشنگ طاهری، تهران: نشر مشعل آزادی.

ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۶)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران (از رکود تا بیداری اسلامی)، جلد دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

هاگدورن، آنت، ولف، نوربرت، (۱۳۹۴)، هنر اسلامی، ترجمه: صادق رشیدی و فاطمه رضائی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

منابع غیر فارسی

- Beckwith, J, (1989), Studies in Byzantine and medieval Western art. Oakville: David Brown Book Company.
- Eastman, A, (1932), Coptic Textiles. Parnassus, 4(2), 27-28.
- Harris, J, (1993), 5000 years of Textiles. London: British Museum Press.
- Jenkins, D, (2003), the Cambridge History of Western Textiles. Cambridge: Cambridge university press.
- Komaroff, L. Carboni, S, (2002), the legacy of Genghis Khan: courtly art and culture in Western Asia, 1256-1353. New York: Metropolitan Museum of Art.
- Lapidus, I.M, (1984), Mamluk Patronage and the Arts in Egypt: Concluding Remarks. Muqarnas, pp.173-181.
- Mack, R.E, (2001), Bazaar to piazza. Berkeley: University of California Press.
- Mackie, L.W, (1984), Toward an Understanding of Mamluk Silks: National and International Considerations. Muqarnas, pp.127-146.
- Mackie, L. W, (2015), Symbols of power. The Cleveland Museum of Art. New Haven: Yale University Press.
- Scanlon, G, (1987), the Middle East in the middle Ages: The Early Mamluk Sultanate, 1250-1382, by Irwin Robert. 180 pages, introduction, index. Southern Illinois University Press, Carbondale 1986. Review of Middle East Studies, 21(1), pp.41-43.
- Meri, Josef. W, (2006), Medieval Islamic civilization: A K. New York: Taylor & Francis.
- Schoeser, M, (2007), Silk. Yale University Press.
- Stilt, K, (2011), Islamic Law in Action: Authority, Discretion, and Everyday Experiences in Mamluk Egypt. Oxford: Oxford University Press.
- Varadarajan, L, (2016), The Benaki Collection of Fustat Textiles-Analysis and Provenance. Indian Journal of History of Science, 51, pp.669-678.
- Walker, B.J, (2000), Rethinking Mamluk Textiles. Mamluk Studies Review, 4, pp.167-195.
- http://www.artic.edu/aic/collections/artwork/99500?search_no=2&index=2 (Retrieved: 1395/10/07)
- <http://www.clevelandart.org/art/1945.34> (Retrieved: 1395/10/07)
- <http://www.clevelandart.org/art/1939.44> (Retrieved: 1395/10/07)
- <http://collections.vam.ac.uk/item/O129376/woven-silk-unknown> (Retrieved: 1395/10/07)
- <http://collections.vam.ac.uk/item/O264758/woven-silk/> (Retrieved: 1395/10/07)
- <http://edgarlowen.com/islamic-art.shtml> (Retrieved: 1395/10/07)
- <http://fibercopia.com/tag/iranian-textiles/> (Retrieved: 1395/10/07)
- http://www.imgrum.org/media/1289921569472337826_2709621320 (Retrieved: 1395/10/07)

۱۶. ابریشم نقش برجسته، ابعاد ۴۷،۵ در ۲۷ سانتیمتر، موزه هنر اسلامی برلین.
۱۷. ابریشم لمپاس، ابعاد کلی ۳۲،۵ در ۲۰ سانتیمتر، یافته شده در ایتالیا، خریداری شده از بنیاد جی. اچ. وید.
۱۸. قطعه پارچه دارای ابعاد ۱۵ در ۷،۵ سانتیمتر، ورود به آمریکا در ۱۹۵۴، متعلق به مجموعه ادگار لون:
- [http://edgarlowen.com/islamic-art.shtml\(1395/10/07\)](http://edgarlowen.com/islamic-art.shtml(1395/10/07)).
۱۹. Baalbek، یکی از شهرهای تاریخی کشور لبنان است که در دره بقاع و در شرق رود لیطانی واقع شده است.
۲۰. Alexandria، شهر بندری مهم مصر که به دستور اسکندر ساخته شد و در دوره بطلمیوسیان پایتخت بود.
۲۱. ابریشم لمپاس منتسب به سوریه با ابعاد ۲۹،۸ سانتیمتر در ۴۰ سانتیمتر، با نقوش گریفین و طوطی که نشانگر نفوذ سبک‌های ایرانی در منطقه سوریه است.
۲۲. قطعه ابریشم منسوب به سوریه به ابعاد ۴۳ در ۴۴،۵ سانتیمتر که نشان‌دهنده تأثیر هنرمندان ایرانی مهاجر در نتیجه حمله مغول به ایران است.
۲۳. قطعه‌ای از یک ردا به ابعاد ۵۱،۴ در ۹۲،۷ سانتیمتر با جمله «سلطان الملک، الموید» که به احتمال زیاد در زمره قطعاتی است که در مصر برای سلاطین یمن تولید شده است.
۲۴. قطعه ابریشم پرزرد با تکنیک پیچیده دو بود به ابعاد ۲۰،۸ در ۳۸،۲، متعلق به مجموعه کریس ار. اسمیت، به نمایش گذارده شده در انستیتو هنر شیکاگو.
۲۵. یک قطعه از ابریشم لمپاس به ابعاد ۵۴ در ۶۷ سانتیمتر. قطعات دیگری از این پارچه در موزه‌های مختلف وجود دارد.
۲۶. ابریشم با منشا مصر یا سوریه، با نوشته «عز المولانا سلطان».

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- بادکوبه هزاره، احمد، تاج بخش، قدیریه، (۱۳۸۸)، روابط بازرگانی آراگون و قشتاله با بیبرس و تحریم اقتصادی مصر از سوی پاپ، تاریخ تمدن اسلامی، ۵، ۱۰۶-۸۵.
- بلر، شیلا، بلوم، جانان. ام، (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه: اردشیر اشراقی، تهران: سروش.
- بیکر، پاتریشیا، (۱۳۸۵)، منسوجات اسلامی، ترجمه: مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- پرایس، کریستین، (۱۳۷۳)، تاریخ هنر اسلامی، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پتروشفسکی ای، پی و بوبل جی. آ. (۱۳۸۵)، تاریخ ایران کمبریج، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی ایلخانیان، مترجم: حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پورجعفر، محمدرضا، محمودی، فانه (۱۳۸۷)، بررسی تطبیقی پارچه‌های ساسانی و پارچه‌های مصری-قبطی. نقش مایه. ۱-۱۸-۵.
- محمد حسن، زکی، (۱۳۶۶)، تاریخ صنایع ایران (بعد از اسلام)، ترجمه: محمد علی خلیلی، تهران: نشر اقبال.
- دیماند، س.م، (۱۳۸۰)، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه: عبدالله فریار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رنج دوست، شبنم، (۱۳۸۷)، تاریخ لباس ایران، تهران: موسسه انتشاراتی جمال هنر.
- روح‌فر، زهرا، (۱۳۸۴)، پارچه‌بافی دوران ایلخانی، مطالعات هنر اسلامی ۲ (۳)، ۱۵۲-۱۴۳.
- _____، (۱۳۹۲)، نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی، تهران: سمت.
- شبارو، عصام محمد، (۱۳۸۰)، دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آن در تاریخ اسلام، مترجم: شهلا بختیاری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- طالب‌پور، فریده، (۱۳۹۲)، تاریخ پارچه و نساجی در ایران، تهران: دانشگاه الزهراء(س).

<http://www.metmuseum.org/art/collection/search/450735>
(Retrived: 1395/10/07)
<http://www.smb-digital.de/eMuseumPlus?Id=119011&view>
(Retrived: 1395/10/07)
<http://www.smb-digital.de/eMuseumPlus?Id=112031&view>
(Retrived: 1395/10/07)

<http://www.metmuseum.org/art/collection/search/445248>
(Retrived: 1395/10/07)
<http://www.metmuseum.org/art/collection/search/450741>
(Retrived: 1395/10/07)
<http://www.metmuseum.org/art/collection/search/448556>
(Retrived: 1395/10/07)

